

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سرگنی کاژمیاکین (SERGEY KOZHEMYAKIN)، مفسر سیاسی روزنامه «پراودا»
برگردان: ا. م. شبیری
۰۵ اکتوبر ۲۰۲۴

جهان در اسارت سرمایه



منطقه آسیا و اقیانوسیه در شبکه‌ای از اتحادها اسیر شده است که زنجیر آن توسط واشنگتن بافته شده است. این اتحادها توسط «گره‌هانی» مانند جاپان و فیلیپین مستحکم می‌شود. امریکایی‌ها برای تبدیل آن‌ها به ابزار مطیع سرمایه، سلاح به آن‌ها پمپاژ می‌کنند و به پیمان‌های تهاجمی گره می‌زنند.

رزمندگان پشت میز مذاکره

در این واقعیت که جهان با سرعت به سمت درگیری جهانی می‌خزد. شکی نیست. مسأله فقط این است که «ترور جدید و لیدع اتریش»، به مثابه بهانه جنگ جهانی اول، در کجا اتفاق خواهد افتاد. علائم زیادی دال بر این وجود دارد که ممکن است آسیای شرقی نقش ساریو را بازی کند. گرمای منطقه در حال رسیدن به «نقطه جوش» است. این امر از برگزاری سلسله مذاکرات اخیر در توکیو مشهود است. پراودا قبلاً به یکی از این جلسه‌ها اشاره کرده است - اجلاس چهارجانبه مذاکرات امنیتی در سطح وزرای خارجه آمریکا، هند، جاپان و استرالیا (شماره مورخ ۱۶-۱۹ اگست سال جاری). همزمان با آن، اجلاس سه جانبه وزرای دفاع آمریکا، جاپان و کوریای جنوبی نیز در آنجا برگزار شد.

در آنجا موضوع «مهار» جمهوری دموکراتیک خلق کوریا مورد بحث قرار گرفت. در تفاهمنامه‌ای که امضاء شد، تقویت همکاری‌های نظامی-سیاسی بین سه کشور، از جمله برگزاری رایزنی‌های منظم، تبادل اطلاعات و برگزاری رزمایش‌های پیاپی به عنوان وظیفه تعیین گردیده است. مینورو کیهارا، وزیر دفاع جاپان با تکبر گفت: امضای این تفاهمنامه باعث می‌شود همکاری‌های سه جانبه ما در شرایط رو به تغییر جهانی تزلزل‌ناپذیر باشد.

اما، ملاقات دیگر - مذاکره در قالب «۲+۲»، بین وزرای امور خارجه و دفاع امریکا و جاپان پربارترین از آنها بود. این دیدار روند ارتقاء روابط بین دو کشور به کیفیت جدید، یعنی گذار از متحدان زمان صلح به متحدان شرایط درگیری نظامی احتمالی را، که بیش از یک سال به طول انجامید، رسمیت بخشید. تشکیل یک فرماندهی جداگانه که از این پس باید واحد ۵۵ هزار نفری نیروهای امریکائی در جاپان تابع آن باشد، عنصر اصلی تغییرات بود.

پیش از این، این اختیارات بر عهده فرماندهی هند و اقیانوس آرام امریکا، مستقر در جزایر هاوایی بود. همانطور که واشنگتن در نظر داشت، در چنین فاصله دور (۶ هزار و ۵۰۰ کیلومتر و اختلاف زمانی ۱۹ ساعت) در شرایط جدید غیرقابل قبول است و دستورات، از جمله، استقرار نیروها و آوردن نیروها به حالت آمادگی رزمی باید از سوی یک جنرال سه ستاره مستقر در توکیو (در آینده چهار ستاره) صادر شود. لوید آستین، رئیس پنتاگون اظهار داشت: «امریکا در نظر دارد مقر نیروهای امریکائی در جاپان را به یک ستاد مشترک با اختیارات و مسؤلیت‌های عملیاتی گسترده ارتقا دهد. این مهم‌ترین تغییر در ارتش امریکا از زمان استقرار آن در جاپان است».

نقش ساختار جدید به نیروهای امریکائی محدود نمی‌شود. رهبری ارتش جاپان فعالیت‌های خود را با متحدان هماهنگ خواهد کرد. برای این منظور، یک گروه کارهای مشترک برای سازماندهی رزمایش‌ها، همکاری‌های نظامی-فنی و غیره تشکیل خواهد شد. در توکیو آشکارا صحبت شد که این همکاری علیه چه کسی است. لوید آستین تصریح کرد: «همانطور که در اجلاس‌های فوق‌الذکر گفته شد، چین به منظور تغییر وضعیت موجود در بحیره چین شرقی، بحیره چین جنوبی، اطراف تایوان و در سراسر منطقه به زور متوسل می‌شود». این عبارت تقریباً کلمه به کلمه در بیانیه پایانی گنجانده شد. با این حال، وزیر امریکائی تنها ایده‌ای را که اخیراً توسط رئیس جمهور امریکا بیان شده، تکرار کرد. جو بایدن اعلام کرد: «شبکه اتحادها در منطقه، چین را کیش- مات می‌کند».

تسلیم رعایا

در اتحادهای تحت رهبری واشنگتن، زمانی که یک تابع اراده مافوق خود را بدون چون و چرا اجراء می‌کند، قواعد زیردستی اعمال می‌شود. این از لفاظی چاپلوسانه مقامات جاپانی مشهود است. یوکو کامیگاوا، وزیر امور خارجه جاپان اطمینان داد: «امریکا و جاپان در سراسر جهان و هر جایی که مهم است، در کنار همدیگر خواهند ایستاد. ما در یک مقطع حساس به سر می‌بریم. برای حفاظت از نظم بین‌المللی موجود، ما باید پیوسته اتحاد و قدرت بازدارندگی خود را تقویت کنیم».

جمله‌بندی ساده نباید گمراه کننده باشد. هدف از ارتباطات، آماده شدن برای جنگ با استفاده از همه ابزارهای در دسترس است. همان بیانیه چین را که مستلزم «بازدارندگی گسترده» است، «بزرگترین مشکل ستراتیژیک» نامید. این تعریف برای اشاره به نیروهای هسته‌ئی که اکنون می‌توانند پس از نیم قرن وقفه به جاپان بازگردند، استفاده می‌شود.

سلاح‌های متعارف نیز از مرکز توجه خارج نمی‌شود. پنتاگون از راه‌اندازی یک طرح به ارزش بیش از ۱۰ میلیارد دلار برای تجهیز مجدد نیروی هوایی خود در جاپان خبر داد. جنگنده‌های اف-۱۵ EX و اف-۳۵ جایگزین هواپیماهای قدیمی خواهند شد. در اجلاس توکیو همچنین تقویت حضور نیروهای امریکائی و جاپانی در مجمع‌الجزایر ریوکیو، که از قلمرو اصلی کشور تا تایوان امتداد دارد و بحیره چین شرقی را «قفل» می‌کند، مورد بحث قرار گرفت.

کاخ سفید به هر طریق ممکن از میلیتاریزه کردن جاپان حمایت می‌کند. بودجه نظامی این کشور در طول سال‌های متوالی همواره رو به افزایش بوده و به ۸ تریلیون بین (۵۴ میلیارد دلار) نزدیک شده است. برنامه‌ریزی شده است که هزینه‌های نظامی تا پایان این دهه دقیقاً دو برابر شود - از ۱ تا ۲ درصد تولید ناخالص داخلی. اصل ۹ قانون اساسی

ناظر بر خودداری از جنگ و امتناع از تشکیل ارتش تمام عیار، یک مانع جدی در این مسیر محسوب می‌شود. تلاش برای بازنگری در آن باعث بروز اختلاف نظر گسترده خواهد شد: چنین اقدامی را دو سوم شهروندان نابهنگام می‌دانند. با وجود این، نخست وزیر فومیو کیشیدا بار دیگر تأکید کرد که اصل ۹ قانون اساسی «با واقعیت‌های امروزی مطابقت ندارد» و «اصلاح جدی قانون اساسی را نمی‌توان به تعویق انداخت».

تنها مشکل دولت این نیست. حزب حاکم لیبرال دموکرات فرصتی برای فرار از رسوایی‌های فساد مربوط به سوءاستفاده از کمک‌های مالی ندارد و افشاکری‌های جدید یکی پس از دیگری اعلام می‌شود. به عنوان مثال، مگومی هیروس، نماینده مجلس طی مدت طولانی حقوق یک منشی را که فقط روی کاغذ وجود داشت، به جیب می‌زد. میزان تأیید کار کابینه از نوامبر سال گذشته تاکنون از ۳۰ درصد فراتر نرفته است و رتبه نخست وزیر از این هم کمتر است. انتخابات میان‌دوره‌ای پارلمان برای حزب لیبرال دموکرات فاجعه‌بار بود و یوریکو کویکه، فرماندار توکیو، با حمایت از آن، اگرچه دوباره انتخاب شد، اما کمتر از ۴۳ درصد آراء را به خود اختصاص داد.

به این دلیل، بیش از ۳۰ هزار عضو، «حزب حاکم» را ترک کرد و اختلافات در صفوف آن تشدید گردید. کیشیدا در ۱۴ اگست اعلام کرد که به انتخاب مجدد به عنوان رئیس حزب لیبرال دموکرات در انتخابات داخلی حزب تمایل ندارد. در میان مدعیان پست رهبری، شیگرو ایشیبا، وزیر دفاع سابق، یوکو کامیکاوا، وزیر امور خارجه، شینجیرو کویزومی، وزیر سابق محیط زیست و دیگر چهره‌ها دیده می‌شوند. اضافه کنیم که رئیس حزب پیروز در انتخابات، ریاست دولت جاپان به عهده می‌گیرد. انتخابات باید در پائیز سال آینده برگزار شود. وارد شدن به ماجراهای بین‌المللی و برانگیختن جنون شوونیستی همواره توسط طبقات حاکم برای منحرف کردن جامعه از شکست‌های داخلی استفاده شده است. توکیو نیز همین مسیر را طی می‌کند.

تفرقه بینداز و حکومت کن

جاپان به تنهایی برای ایجاد یک شبکه قوی ضد چین کافی نیست. از این رو، آستین و آنتونی بلینکن، وزیران دفاع و امور خارجه آمریکا پس از یقین به همکاری نزدیک در توکیو، به فیلیپین رفتند. تاکتیک‌های استفاده شده - حدس و گمان در خصوص «تهدید چین»، وعده‌های کمک و پیروی از توطئه‌های امپریالیستی منسوخ شده‌اند.

مهمانان در مانیل با اعلام تخصیص کمک‌های نظامی به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار، «کارت‌های خود را بازی کردند». این بخشی از بسته ۲ میلیارد دلاری است که کاخ سفید به منطقه وعده داده است. تایوان یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون و سایر شرکای واشنگتن ۳۰۰ میلیون دلار دریافت خواهند کرد. این‌ها شامل ویتنام و کشورهای جزیره‌ای اقیانوس آرام هستند [ای داد و بیداد، کار ویتنام به جانی رسیده که امریکا برای نظامی کردن آن کمک می‌کند! مترجم]. مقامات فیلیپین به تبعیت از همکاران جاپانی خود، در موضع رعیت قرار گرفتن موافقت کردند. ژیلبرتو تئودورو، وزیر دفاع این پول را «تقویت امنیتی عظیم» خواند، در حالی که رئیس جمهور فریدیناند مارکوس جونیور افزود که «این پول، فیلیپین را از نظر واکنش ما انعطاف‌پذیرتر می‌کند». بحیره جنوبی چین را در این کشور بحیره فیلیپین غربی می‌نامند.

امریکا با استفاده زیرکانه از اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن»، به اختلافات ارضی دامن می‌زند. اگر دخالت خارجی نبود، کشورهای منطقه این اختلافات را مدت‌ها قبل، سر و سامان داده بودند. این امر با آئین‌نامه رفتار طرفین در بحیره چین جنوبی که توسط چین و اعضای آسه‌آن تهیه شده و توافقات اخیر بین مانیل و بیجینگ در مورد صخره زیر آبی مورد مناقشه رنای (آیونگین) در مجمع‌الجزایر ناناشا (اسپراتلی) تنظیم شده است. نظامیان فیلیپین در آنجا یک پاسگاه به

شکل کشتی جنگی زمین‌گیر «سیرا مادره» (Sierra Madre) دایر کرده‌اند. چین ضمن تأکید بر غیرقانونی بودن حضور آن در آب‌های سرزمینی خود، موافقت کرد که مانیل تجهیزات حیاتی پاسگاه را تأمین کند. واشنگتن با چنین روابطی موافق نیست. به همین دلیل، به دور جدید اختلافات دامن می‌زند. فرستادگان امریکایی به همتایان خود اطمینان دادند که در صورت مطرح شدن «ادعاهای جمهوری خلق چین»، برای اعمال مفاد معاهده دفاع متقابل ۱۹۵۱ مبنی بر تعمیق هماهنگی نظامی در بحیره چین جنوبی کاملاً آماده‌اند. بدین منظور، یک گروه کار تشکیل و تبادل اطلاعات آغاز خواهد شد.

تمرین برای اقدامات تحریک‌آمیز در حال انجام است. فیلیپین نیروی بحری امریکا، کانادا، جاپان و سایر کشورها را برای گشت‌زنی در آب‌های مورد مناقشه جذب می‌کند. این امر با یکسری توافقات در مورد دسترسی متقابل با امریکا، استرالیا و جاپان تسهیل می‌شود. پیش‌نویس توافقات مشابه با المان و فرانسه در دست تهیه است.

پنتاگون با دسترسی به ۹ پایگاه نظامی در فیلیپین، آن‌ها را به پایگاه‌های تمام عیار تبدیل می‌کند. برای این منظور، ۱۲۸ میلیون دالر فقط برای سال جاری تخصیص داده است. جزیره لوزون، نزدیک‌ترین جزیره به چین، به صحنه بزرگ بازی‌های جنگی تبدیل شده است. در ماه اپریل-مه رزمایش بالیکاتان با تعداد بی‌سابقه شرکت‌کنندگان - ۱۱ هزار نظامی امریکایی و ۵ هزار نظامی فیلیپینی، بدون احتساب واحدهای کوچک از فرانسه و استرالیا برگزار شد. مانور «سالکنیب» نیز در ماه اگست در جزیره برگزار شد. امریکا تحت پوشش رزمایش، دستگاه‌های تسلیحاتی مختلف، از جمله دستگاه‌های راکت ضد هوایی میان برد تایفون و رکت چندگانه هیمارس را به فیلیپین منتقل می‌کند. مانیل قصد خود را برای خرید هواپیماهای اف-۱۶، تحت البحری‌ها و سایر تسلیحات از کشورهای غربی اعلام کرده است.

دسیسه‌ها به ثمر نشست. مارکوس جونیور در باره «اقدامات غیرقانونی و خشونت‌آمیز که حق حاکمیت و صلاحیت ما را نقض می‌کند»، صحبت کرد. وی افزود: «اگر حتی یک نفر در اثر تجاوز چینی‌ها کشته شود، این یک اقدام جنگی تلقی خواهد شد».

سرنوشت رعایا در انتظار سایر کشورهای منطقه است اگر طعمه را بگیرند. امریکا با تهدید به افزایش تعرفه بر باتری‌های خودروهای الکتریکی حاوی فلز استخراج‌شده توسط شرکت‌های چینی، بیجینگ را از صنعت نیکل اندونزی بیرون می‌کند. واشنگتن همچنین از توافق با جاکارتا در زمینه همکاری دفاعی استفاده می‌کند. تاپستان گذشته، نظامیان دو کشور اولین رزمایش فرماندهی-ستادی خود را در زمینه امنیت سایبری برگزار کردند.

مقامات امریکا در رابطه با ویتنام نیز از روش چماق و شیرینی استفاده می‌کنند. سال گذشته، دو کشور روابط خود را به سطح «مشارکت ستراتیژیک جامع» ارتقا دادند. در ضمن، هانوی از واشنگتن خواست تا اقتصاد خود را به عنوان یک اقتصاد بازار به رسمیت بشناسد. و این به معنای رفع موانع تجارت متقابل است. وزارت بازرگانی امریکا پس از صرف تقریباً یک سال وقت برای بررسی این درخواست، رأی منفی صادر کرد. امریکایی‌ها گفتند که دولت ویتنام به «مداخله فعال در اقتصاد» همچنان ادامه می‌دهد. هانوی ضمن ابراز تأسف، متذکر شد که به رسمیت شناختن یک «گام عینی و منصفانه» خواهد بود.

ظاهراً امریکا در حال دادن علامت در مورد مطلوب بودن سازگاری بیشتر به ویتنام است. در ۲۶ اگست، مذاکرات دوجانبه در مورد مسائل سیاسی، امنیتی و دفاعی در هانوی برگزار شد. اطلاعاتی در مورد احتمال عرضه هواپیماهای ترابری نظامی سی-۱۳۰، جت‌های جنگنده اف-۱۶ و بالگردهای پولیس به ارتش ویتنام منتشر شده است. امریکا تحریم تسلیحاتی ویتنام را هفت سال پیش لغو کرد، اما تاکنون همه چیز به تحویل کشتی‌های گارد ساحلی و هواپیماهای

آموزشی محدود شده است. همچنین، از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، ویتنام ۱۰۴ میلیون دلار به عنوان بخشی از برنامه‌های تأمین مالی ارتش‌های خارجی دریافت کرد.

واشنگتن در تلاش است تا هانوی را با کمک «کمند» اقتصادی «به دام اندازد». گردش مالی در تجارت متقابل طی سه سال گذشته از ۱۱۳ به ۱۲۴ میلیارد دلار افزایش یافته است. این میزان، کمی کمتر از تجارت با چین و ۲۵ برابر بیشتر از روابط تجاری روسیه و ویتنام است. امریکائی‌ها در نظر داند، در زمینه تولید نیمه‌هادی‌ها سرمایه‌گذاری کنند. به ویژه، نویدیا (Nvidia) قصد دارد تولید تراشه را در این کشور آغاز کند.

لازم به ذکر است، که این بخشی از راهبرد محاصره فناوری چین است. در ماه اگست، اولین مانور مشترک بین گارد ساحلی هانوی و مانیل در بحیره چین جنوبی برگزار شد. توافقنامه «مشارکت ستراتیژیک جامع» با استرالیا منعقد شده است. در پس هر یک از این مراحل، تمایل امپریالیسم غربی برای تضعیف چین نمایان است [احتمالاً، ویتنام نیز به راهی که جاپان رفت- زندانی که عاشق شکنجه‌گر خود می‌شود- خواهد رفت. همه قرائن، حاکی از این است. مترجم].

منتشره در [وبسایت دانشمندان سوسیالیست](#) فدراسیون روسیه

۱۳ مهر- میزان ۱۴۰۳